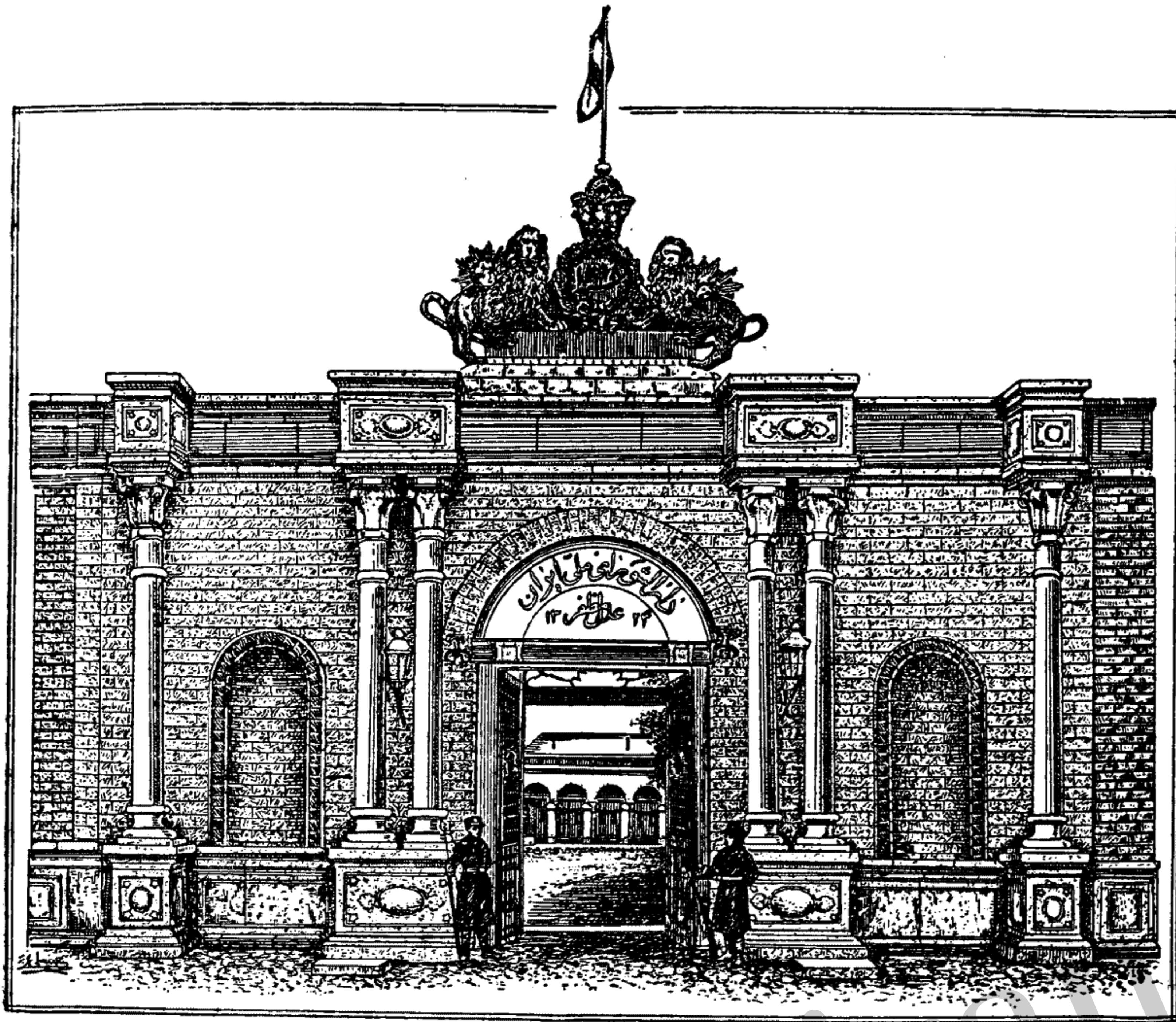


دوره ششم تقنینیه

| | | |
|--|---|--|
| <p>جلسه ۱۹۷</p> | <h1>مذاکرات مجلس</h1> | <p>شماره ۱۶۲</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یک شنبه اول بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق سلخ رجب المرجب ۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك داخله ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p> |

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه اول بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۷

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۸ دیماه
را آقای نگهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: امیرحسین خاں - ملک مدنی - دشتی -
بهبهانی - بنی سلیمان - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی -
میرزا حسن خان وثوق - سلطان محمدخان

| ردیف | عنوان | از صفحه | الی صفحه |
|------|--|---------|----------|
| ۱ | توضیح آقای رئیس کل صحیه راجع به اعتباری که برای دفع مرض وبا بدولت داده شده بود | ۳۲۸۱ | ۳۲۸۲ |
| ۲ | معرفی آقای میرزا عنایت الله خان سیدعی بسمت معاونت وزارت معارف از طرف آقای وزیر معارف | ۳۲۸۲ | ۳۲۸۲ |
| ۳ | بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع باستخدام متخصصین مالی | ۳۲۸۲ | ۳۲۸۹ |
| ۴ | بقیه شور اول نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی | ۳۲۹۰ | ۳۲۹۸ |

غائبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان : حاج علی اکبر امین - اسدی - ذوالقدر -
 امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع -
 آقامیرزا هاشم اشتیانی - حاج شیخ بیات - حاج حسن اقا ملک
 حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل
 آقایان : عراقی - امام جمعه اهر - مقدم - مولوی
 دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل
 آقایان : سهراب خانب - فهیمی - شیروانی -
 شریعت زاده - قره شیرازی - عباس میرزا - جهانشاهی
 تقی زاده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - آقای اشتیانی را در صورت مجلس
 غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مریض
 بوده اند کاغذی هم بمقام منبع ریاست نوشته اند

رئیس - یاد داشت و تحقیق میشود آقای حق نویس
 حق نویس - در صورت مجلس بنده را مخالف با ترتیب
 نظامنامه نوشته اند بنده مخالف با تدوین نظامنامه نبوده
 ام بلکه مخالفت من با این بود که مجلس شورای ملی نظام
 نامه را لازم الاجرا ننماید و الا موافقم که دولت نظام
 نامه ای برای اجرای قوانین میتواند بنویسد و اجرا هم بکند
 مخالفت بنده راجع بلزوم اجرائش بود
 رئیس - در ذیل صورت مجلس قید میشود. دیگر
 اشکالی ندارد؟

(گفتند - خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد
 رئیس کل صحیه - اجازه میفرمائید؟ بنده عرض
 مختصری دارم
 رئیس - بفرمائید

رئیس کل صحیه - در جلسه گذشته موقعی که
 بنده جواب فرمایشات آقای اعتبار و آقای کازرونی را

میدادم از طرف آقای بروجردی فرمایشی شد که موضوع
 نود هزار تومان چه شد؟ بنده قطع دادم که بیک سوء
 تفاهمی برای ایشان ایجاد شده است و شاید قصد داشتند که
 در این موضوع سئوالی از صحیه بکنند و بنده هم ناچار
 باشم جواب عرض کنم لذا بنده استدعا کردم که فعلا
 عراض بنده را استماع بفرمایند یعنی قبلا و مساعدتاً جواب
 فرمایشات آقای بروجردی را عرض میکنم و قطع دارم که
 برای ایشان سوء تفاهمی ایجاد شده است. موضوع ۹۰ هزار
 تومان را که فرمودند این نود هزار تومان اعتباری است
 که از طرف مجلس شورای ملی برای جلوگیری از مرض کلراداده شده
 است. از روز اول طلوع کلرا کمیسیون بنام کمیسیون
 دفاع در صحیه کل با دستور بنده تشکیل شد و آن
 کمیسیون مرکب بود از ده دوازده نفر از اجله علمای
 طب (که اسامی آنها را اگر حالا بخواهم عرض کنم
 مدتی صرف وقت خواهد کرد) به اضافه نماینده
 وزارت امور خارجه و نماینده اداره گمرکات و رئیس
 صحیه بلدیه که مجموعاً قریب ۱۵ نفر بودند. همه روزه
 این کمیسیون تشکیل بود حتی روزهای جمعه و روزهای
 قتل و اربعین و تمام مدت تابستان و در روز چندین
 ساعت از صبح تا ظهر و شب مشغول کار بودند و کلیه
 تلگرافاتی که مربوط به کلرا بود باین کمیسیون مراجعه
 میشد. کلیه بولهای را که بمصرف کلرا میرسید اینها
 تصدیق می کردند و از طرف کمیسیون بوزارت مالیه
 پیشنهاد می شد و از طرف وزارت مالیه حواله می شد
 بنقاط مختلفه و کلیه اسناد خرجی را که از برای این
 کار میباشد به طهران برگردد بحسب دستور
 خود بنده (که مبدا بیک روزی کمترین لکه ای بدامان
 کارکنان صحیه بنشیند) تمام اسناد خرج و جوه مصروفه
 باید مصدق بمضای رؤسای مالیه بوده و بانظارت و اطلاع
 حاکم محل و کلیه اعظم هر شهری خرج بشود چنانچه
 عرض میکنم بیک دینار از این پول به صحیه کل مملکتی
 نیامد و بیک دینار از صحیه خارج نشد تمام این پول
 در مالیه تمرکز داشت ما پیشنهاد می کردیم و وزارت مالیه

بمحل حواله میکردند و اسناد خرج را هم بابت
 ترتیبی که عرض کردم می گرفتند. بیک مقداری از اسناد
 خرج آنها بهمین ترتیب رسیده است و بقیه هم خواهد
 رسید و بنده انتظار داشتم که از طرف آقای بروجردی
 البته تشویقی از کار کنان صحیه میشد و امیدوارم
 که این سوء تفاهم هم مرتفع شود و چیزی در خاطر عالی
 مستور و مخفی نماند. بالاخره این پولها باین ترتیب مصرف
 شده است و حتی آن روزیکه اختیارات رئیس کل مالیه
 تمام شد بود و از این پول ممکن نبود در خواستی صادر
 کنیم ده هزار تومان باعتبار و باسم شخص بنده از بانک
 پهلوی قرض شد و حواله داده شد باز هم بنده آن اعتبار
 را قبول نکردم و بخزانه داد بوزارت مالیه بهمین ترتیب
 خرج کرد و اسنادش را هم جمع آوری کرد. بنده ناچارم
 قبلا این عراض را رسماً در اینجا عرض کنم تا نمایندگان
 محترم ملت بدانند که صحیه و کارکنان صحیه خدمتگذار
 مملکت هستند

بروجردی - اجازه میفرمائید؟ بنده سئوال راوشتم
 و بایشان دادم

رئیس - نطق قبل از دستور که خاتمه یافت اگر سئوالی
 دارید بعد بفرمائید

بروجردی - اینهم قبل از دستور است
 رئیس - فقط طریقی که دارید طریقی سئوال است

طریق دیگری ندارید
 وزیر معارف - آقای مرزا عنایت الله خان سمعی

را معاونت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 معرفی میکنم

رئیس - ماده ۱۴ از لایحه متخصین مالی
 مطرح است.

(این قسم قرائت شد)
 ماده ۱۴ - پس از ورود خزانه دار کل و اشتغال
 بخدمت مواد ۶ تا ۱۳ این قانون بموقع اجرا گذاشته

شده و قانون خزانه داری کل مورخه ۵ حوت ۱۳۰۱
 ملغی خواهد بود
 رئیس - آقای تقی زاده
 تقی زاده - عرضی ندارم
 رئیس - آقای کازرونی
 کازرونی - عرضی ندارم
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - عرضی ندارم
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - عرضی ندارم
 رئیس - آقای بامداد
 بامداد - عرضی ندارم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده با این ماده مخالفم و مخالفت
 بنده هم از این نقطه نظر است که چون ماده ۱۳
 پیشنهاد شد حذف شود یعنی حذف آن از طرف بعضی از آقایان
 نمایندگان پیشنهاد شد و رفت بکمیسیون حالا اگر مجلس
 رأی بدهد بماده ۱۴ که میگوید: پس از ورود خزانه دار کل
 و اشتغال بخدمت مواد ۶ تا ۱۳ این قانون بموقع اجرا
 گذاشته خواهد شد این ماده بالاخره مربوط میشود بماده ۱۳
 و تکلیف ماده هم هنوز معلوم نشده است بنا بر این فعلا
 نمیشود باین رأی داد و بهتر این است بماند تا تکلیف ماده ۱۳
 از طرف کمیسیون و مجلس معین شود و عجاله بنویسیم ماده ۶
 تا ماده ۱۲ که آن ماده ۱۳ از کمیسیون برگردد.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع
 حاج آقا رضا رفیع - بنده گمان نمیکم اشکالی داشته
 باشد شما ممکن است این قسمت را پیشنهاد بفرمائید تا
 بعد تکلیف ماده سیزدهم معلوم شود خبر هم قبول میکند
 آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم
 (اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تا ماده ۱۲ نوشته شود
مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم
رئیس - رأی گرفته میشود ماده ۱۴ با این اصلاح
آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۵:

این قسم قرائت شد

ماده ۱۵ - برطبق قانون مورخه ۲۳ عقرب ۱۳۰۱
شرایط دیگر کنتراست مزبور را دولت تعیین خواهد نمود
رئیس - مخالفی ندارد؟

یاسائی - بنده مخالفم.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ در این ماده يك
اشتباهی شده است گمان میکنم اینطور باید باشد «شرایط
دیگر کنتراست متخصصین مزبور را» در این نسخه که
بنده دارم لفظ متخصص افتاده است و باید متخصصین
یا متخصصین اضافه شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - اعتراضی که آقای آقا سید یعقوب

در ماده ۱۴ فرمودند در این ماده هم وارد است
از نقطه نظر اینکه شاید ماده ۱۵ هم يك ماده دیگری
بشود یا در کمیسیون آن موادی که برای اصلاح ارجاع
شده طرز ماده بندی قانون را بهم بزنند بهتر این است
مذاکره در این قانون را بهمین جا ختم کنیم تا
اگر بعد از ماده ۱۵ يك ماده دیگری را اضافه کنند
ترتیب ماده بندی بهم نخورد و این آخرین ماده یا
ماده ما قبل آخر باشد

رئیس - لفظ مستخدمین بعد از کنتراست اضافه می

شود آقای بیات

مرتضی قلی خان بیات - گمان میکنم اشکالی را که
آقای یاسائی فرمودند وارد نباشد زیرا این يك ماده معینی است
و يك شرایطی بموجب قانون ۲۳ عقرب باید برای این

متخصصین در نظر بگیرند و کنتراست را به بندند اشکالی
ندارد و ترتیب ماده بندی قانون هم هم نمیخورد مگر
شده که موادی را مجلس تصویب کرده است و بعد از
آن مواد دیگری اضافه شده و ماده ۱۴ فرضاً ۱۵
شده و این اهمیتی ندارد و خود مجلس در ضمن رأی آخری
اصلاح میکند

رئیس - رای میگیریم بپاره ۱۵ بضمیمه اضافه

کله «مستخدمین» بعد از کنتراست آقایان موافقین قیام
فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۶

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۶ - وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون است

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - در سه فقره ماده الحاقیه رسیده است قبل

از اینپاره باید قرائت شود

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای افشار

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم: ماده الحاقیه
پس از ورود متخصصین مالی به هیچیک از افراد و اعضای
صاحب جمع دولتی اعم از متصدی و منتظر خدمت ارجاع
شغلی نخواهد شد مگر آنکه اعضاء و افراد مذکور حساب
دوره تصدی خود را با اداره مربوطه داده و مفاصا
حساب گرفته باشند و تا مفاصا حساب مأمورین صاحب
جمع داده نشده است حق استفاده از قوانین موضوعه
برای آنها ممنوع و از استخدام در دوائر دولتی محروم
هستند.

افشار - بنده تصور میکنم در اطراف این پیشنهاد بکه داده ام

توضیح زیادی لازم نباشد. ما متخصص را برای چه
میخواهیم؟ متخصص هم هر قدر عالی مقام و دارای
نحوص عالی باشد تا وسائل استفاده از نحوص او فراهم

نشده باشد ما نمیتوانیم از وجود او استفاده کنیم (عده
از نمایندگان صحیح است) بنده يك مدت متبادی ب
متخصص مالی امریکائی کار کردم و تصور میکنم که علل
و موجبات عدم موفقیت کامل آنها در کار برای
این بود که يك عده بودند که مدتهای متبادی در وزارت
مالیه مستخدم بودند و این اشخاص مانع پیشرفت کار
های آنها بودند در این لایحه که از طرف دولت آمده
است برای تفریح محاسبه اشخاصی که فعلاً متصدی هستند در
ماده ۱۲ يك پیش بینی شده است ولی برای آنهائی که از بیست
سال قبل باینطرف متصدی کارهای مهم مالی بوده اند و تا
بحال هم حساب پس نداده اند هیچ فکری نشده و عده
آنها هم تصور نمیکم از بیست و سی نفر تجاوز بکنند.

مجلس شورای ملی و دولت البته علاقه مند است به
این که او خود اشخاصی که مبالغی به آنها پول
می دهد کاملاً استفاده شود و به نفع مملکت تمام شود
و این اشخاص هم از دو شوق خارج نیستند یا حقیقه صالح
اند یا طالح اند اگر صالحند بهتر این است که در اطراف آنها بوسیله
رسیدگی بمحاسبات دوره تصدی شان هیچ صحبت هائی
نشود و بمحاسبان رسیدگی شود و مفاصا حساب بدهند بهشان
و کاملاً مدلل شود که این اشخاص يك مردمان شرافت
مندی بوده اند اگر هم طالح هستند تصدیق بفرمائید با يك
ایادی آلوده بغرض مانی توانیم شروع بیک اصلاحاتی بکنیم بناء
علیه بنده این پیشنهاد را کرده ام و هرگونه تخصصی هم
که دولت استخدام کند تا اصلاح در خود داخله اداره
شروع نشود کار نمی تواند بکند. امریکائی ها يك فورمولی
داشتند که کارها را رجوع میکردند بیک کمیسیون و افراد
آن کمیسیون جمع میشدند دو ماه سه ماه و چهار ماه مراجع
بیک موضوعی رسیدگی میکردند بعد ناریخچه آن را می
نوشتند بعد زیرش مینوشتند رأی رأی مبارک است این کاغذ
نازه يك ماه با دو ماه باید برود ترجمه شود بعد نازه میرفت

پیش رئیس کل مالیه و او میدید کمیسیون که دو سه
ماه مدتهای مدید کار کرده و وقت و پول مملکت را
تلف کرده بود اظهار عقیده نمیکرد اینها همدیگر نان
قرض میدادند و در يك مسائل خیلی فوری هم که اظهار
عقیده میکردند کلمه تعلیق را مینوشتند زیرش و این
تعلیق از آن کلماتی است که در دوره تصدی مستخدمین
آمریکائی در ایران وضع شد يك اشخاصی که پارت
نداشتند دست نداشتند و نمیتوانستند بیک وسائلی اعمال
غرض برای نفع خودشان بکنند فوراً در مورد آنها حکمیت
میشد و رأی داده میشد بنده عقیده ام این است که
آقای وزیر مالیه هم موافقت بفرمایند آقای مخبر محترم
کمیسیون هم این پیشنهاد را قبول بکنند بالاخره نظر بنده
این است که وقتی که متخصصین مالی آلمان وارد شدند بحساب
آن اشخاصی که تا حال متصدی بوده اند و بحسابشان
رسیدگی نشده است رسیدگی شود و علاوه بر این اشخاص
منتظر خدمت مالیه حقیقه در کوچه جلوی هر کس را
بگیرید منتظر خدمت وزارت مالیه است و آنقدر اعضا
و افراد دارد که کارهای وزارت مالیه معوق نخواهد ماند
بعد از آنکه بحساب آنها رسیدگی کردند مفاصا حساب
بآنها بدهند آنها هم که حساب نتوانستند بدهند و مدلل
شد که در گذشته کار هائی کرده اند بانها البته نباید کار
داد و مادام که این عده از اشخاص استنکاف کردند از دادن
حساب زمان تصدی خودشان این اشخاص از حقوق قانون
استخدام بکلی محروم باشند و نتوانند استفاده کنند این
پیشنهاد بنده بود

وزیر مالیه - اصل موضوع که نماینده محترم پیشنهاد
فرمودند خیلی صحیح است و البته در خاطر دارند که
نص صریح یکی از مواد قانون استخدام هم همین قید را
دارد متأسفانه این ماده قانون استخدام آن اندازه ای
که میبایستی رعایت شده باشد نشده است ولی تأکید در
اجرای این ماده مستلزم این نیست که ما عین مفهوم او
را برداریم و در يك قانون دیگری که برای کار

دیگری است و تناسب کاملی با این موضوع ندارد نقل و انتقالش بدهیم اخیراً این را بنده يك تذکری بر رؤسای ادارات و دوائر مربوطه وزارت مسالیه دادم و يك ضرب الاجلی کرده ام که تا يك موعدی که حالا خاطر من نیست (گمان میکنم تا آخر سیصد و شش است) اجرای کامل این ماده را انجام بدهند و متمهستان کرده ام که اگر تا آخر سیصد و شش و اول سیصد و هفت اشخاصیکه متصدی جمع بوده اند و ابواب جمع داشته اند اینها اسناد خودشان را در وزارت مالیه ارائه ندهند و مفاصل نگیرند یا آنها کار رجوع نشود و رؤسای ادارات را بنده مسؤولان کردم که اینها را صورت بدهند و خودشان منتظر خدمتشان بکنند قبل از این که از طرف وزارت مالیه تعقیب بشوند. باید ازین قبیل اقدامات برای اجرای ماده ای که در قانون استخدام کشوری هست بشود ولی اینجا برای اجرای آن ماده مورد ندارد چیزی اضافه کنیم بنده هم خیلی متشکر بشدم اگر نماینده محترم خودشان با این نظر موافقت میفرمودند و تأیید میفرمودند که با وسائل دیگری این مقصود را انجام بدهیم

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این ماده الحاقیه آقایان که قابل توجه میدانند قیام بفرمایند (قریب بنصف نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقا سید یعقوب و خطیبی

ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم : ماده الحاقیه - مستخدمین مذکور در ماده اول این قانون مسؤل وزیر مالیه بوده و باید در ایفای وظایف خود کلیه تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت نمایند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - کان میکنم آقایان کاملادر اینکه روز بروز ما باید در استقلال وزارتخانهها سعی کنیم و در

اینکه وزرای مسؤل را کاملاً در تحت مسؤلیت مجلس وارد بکنیم موافقت داشته باشند که کاملادریز خود را گرفتار يك جائی نکنند که عذر بیاورد و بگوید چون در فلان قانون دست و پای مرا بسته اید من نمیتوانم جواب بدهم ما این لایحه را که گذرانندیم که مشتمل است بر شانزده ماده هیچ همچو ماده ای ندارد که این مستخدمینی که ما وارد میکنیم مسؤل که هستند این وظایفشان معین است ولی اینها مسؤلیت دارند بلکه مسؤلند و بچه نحو مسؤلیت دارند درش نبود این است که بنده و آقای خطیبی و بعضی از رفقا این را پیشنهاد کردیم که مستخدمینی که وارد میشوند مسؤل وزیر مالیه هستند و کلیه تعلیمات قانونی که از طرف وزیر مالیه بانها ابلاغ شود و بانها اطلاع بدهند آنها اطاعت کنند نه اینکه بمجرد اینکه اینها می آیند درین جا بقدری اینها را احاطه میکنیم که رشته قانونی از دستان در میروند، بعرض آقایان برسانم که يك روزی منزل آقای قائم مقام بودیم یک نفر از مستخدمین امریکائی، از مستخدمین درجه دوم مانه از مستخدمین بزرگان آنجا بود سه ساعت بنده ماده قانون استخدام و کنترات را نشان دادم دیدم ابداً از ندارد کفم اگر ما کسی باشیم که آنقدر نتوانیم که قوانینی که از مجلس گذشته است بکله شما فرو کنیم دیگر نمیتوانیم زندگی کنیم از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که باید مسؤل وزیر مالیه باشند و کلیه تعلیمات قانونی وزیر مالیه را وظیفه آنهاست که اطاعت بکنند و عمل بکنند.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید اینجا این فورمولی که درین ماده اتخاذ شده است عین فورمولیست که در کنترات دکتر میلسیو بود (ماده شش یا هشت) علت اینکه ما درین جا در قسمت اول لایحه این را ذکر نکرده بودیم این بود که در قسمت متخصص مالی در ماده پنج نوشته شده است که در تحت ریاست مستقیم و هدایت وزیر مالیه خواهد بود آنها را دیگر را بر واضح و آشکار

بود که خزانه دار که البته در تحت ریاست مستقیم و هدایت وزیر مالیه هست و تعلیمات قانونی وزیر مالیه را هم باید اطاعت بکنند ولی بعداً متذکر شدیم که این عبارت در قانون سابق (چهارم اسد) راجع بدکتر میلسیو عین فرمول هست درین قانون هم در ماده پنج در قسمت متخصص مالی و اقتصادی هم يك فرمولی بهمین ترتیب گذاشته شده است و البته تکرار این مسئله هم لازمست و خوبست برای اینکه نبودنش ممکن است تولید يك اشتباهات و يك مبهمی بکند حالا اصل عبارت را این شکل میخواهند یا آقای مخبر میخواهند ارجاع شود بکمیسیون تطبیق نمایند عبارت را عوض کنند و فرمولی دیگر بنویسند آن بسته است بنظر خود آقایان

مخبر - از يك طرف موضوع مسؤلیت وزیر در مقابل مجلس شورای ملی اسر بدهی است ما يك مستخدمی را نمیتوانیم مستقیماً مسؤل قرار بدهیم از طرفی هم شاید این عبارت يك معایبی داشته باشد یا وافی نباشد بمنظور اساسی دولت و مجلس و چون اختلاف نظری هم هست بین رفقای کمیسیون بودجه بنده نمیتوانم قبول کنم ولی تقاضا میکنم این ماده هم بکمیسیون بیاید در کمیسیون بودجه يك تبادل نظری کنیم يك فرمولی مرضی تمام اعضاء کمیسیون تهیه نمائیم

رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون ماده الحاقیه

دیگر .

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده الحاقیه آقای محمد ولی میرزا

ماده الحاقیه - رئیس اداره تفتیش برای نظارت در مصارف که از وجود عمومی انجام میگردد با مراعات شرایطی که در ماده ۸ و ماده ۱۱ اختیار خزانه دار کل مقرر شده حق هر گونه رسیدگی و تحقیق را برای اجرای نظارت خواهد داشت بعلاوه عموم محاسبین و صاحبان جمع مکلف هستند در هر مورد دفاتر و اوراق لازمه را برای تفتیش تحت مطالعه رئیس تفتیش

یا نماینده ای که معین میدارد بگذارند (محدودی) رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - درین قانونی که در مجلس دارد میکذرد و مباحثاتی که شده است البته نظر آقایان هست که در ماده اول در یکی از فقراتش (فقره چهارم) ذکر شده است برای ریاست اداره تفتیش از المان، و در واقع يك نفر هم برای این اداره استخدام میشود ولی دیگر هیچ وجه درین قانون ماده ای که در آن تصریح میکنند قانوناً که این شخصی که مستخدم میشود و ریاست اداره تفتیش را خواهد داشت وظایف این آدم چیست در صورتی که بنظر بنده اداره تفتیش و رئیس تفتیش اگر بنام معنی این کلمه که این کلمه باید دارا باشد دارای يك اختیارات قانونی باشد بزرگترین نتیجه ای که میشود ازین رشته مستخدمین گرفته شود از همان رئیس تفتیش و اداره تفتیش خواهد بود درین جا فقط تذکری داده شده است که رئیس تفتیش خواهد آمد حالا این رئیس تفتیش که خواهد آمد این جور معلوم میشود که اوقف محکوم خواهد بود بمقررات وزارتی، وزارت مالیه يك نظامات و يك تعلیمات و دستورات کتبی که برای تعیین تکالیف اعضاء خودش ترتیب خواهد داد او هم جزء آنها خواهد بود، در صورتی که بنده معتقدم که با اداره تفتیش و بوظایف ریاست تفتیش باید بیش از این اهمیت داد و رئیس تفتیش و اداره تفتیش را نباید منحصرأ و فقط تابع مقررات وزارتی کرد و محتاج باین بود بعقیده بنده که در این قانون يك اشاره و تذکری راجع بوظایف حتمیه ای که رئیس تفتیش مامعتمدیم که باید داشته باشد در اینجا بشود حتی بنده عقیده ام این بود که رئیس تفتیش مشاغلی که از انتظار میروند تماس بیشتری با این متخصص عالی مقام باید داشته باشد چون اگر يك سلسله چیز های خوبی وضع شد و پیشنهاد شد و از مجلس تصویب شد باید در تعقیب آن ببیند که اینها در اجرا و در عمل چه صورتی بخود میگیرند و اجرا میشوند یا نمیشوند، کاملاً

مجری میشوند، قسمتی از آنها اجرا میشود اینست که بنده لازم دانستم چون در خود قانون مسئله گنک است و اشاره نشده است بطور ماده الحاقیه اینجا متذکر شوم. ضمناً هم البته باید صاحبان جمع و محاسبین وزارتخانهها کلاً خودشان را تابع دستورات و تقاضاهائی بدانند که رئیس تفتیش از آنها از نقطه نظر کسب اطلاع خواهد کرد و قانوناً خودشان را ملزم بدانند. درین جا در ماده یازده باز مجملایک اشاره ای شده است که «محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز مییابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مأمور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود» این هم بعقیده بنده خیلی ناقص است اگر گفته شود که وظایف مفتش و مفتشین را در بنامه تصریح کرده ایم بنده هیچ تصدیق نمیکنم که این ماده تصریحی داشته باشد که وظایف یک چنین اداره تفتیشی که رئیس آنرا یک نفر آدم از خارج استخدام میکنیم بهمین اشاره ای که درین جا شده است در جزء اختیارات خزانه دار کافی باشد، خیر، باید یک قدری بیشتر بش قدرت و قوت قانونی داده شود.

وزیر مالیه - در ضمن مذاکرات در کلیات این قانون این مسئله یکی دو مرتبه اشاره شده و یک نظر بانی هم بعرض رسیده، این مسلم است که وقتی یک مفتشینی در یک اداره هست و بموجب قانون یک متخصصی هم برای ریاست آن اداره استخدام میشود برای اینست که ایفای بوظائف تفتیش بکند خود تفتیش و ایجاد تفتیش یک معانی خاص عملی در تمام نقاط دارد ولی علت اینکه توضیح این مسائل در این قانون بموجب یک موادی مناسب نیست این است که اگر بخواهیم بگوئیم تمام وظایف تفتیش و اداره تفتیش و مفتشین را بموجب یک ماده یا دو ماده معین میکنیم البته این ناقص خواهد بود و اگر یک قسمتش را ذکر بکنیم و قسمتهای دیگر را ذکر نکنیم این هم کافی نیست و بالاخره ما اگر منحص میاوریم برای

با فکر این مسئله را پیشنهاد کرد و خواهش میکنم این را خردشان مسترد بدارند در این زمینه اصلاحاتی خواهد شد و در جلسه بعد خواهید ملاحظه فرمود که نظر خودتان هم در آنجا جلب شده است و پیشنهادی شود بمجلس

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه را قابل توجهی دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد، ماده دیگر

ماده الحاقیه آقای بهبهانی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میجام

ماده الحاقیه - هرگاه موقعی دولت بخواهد کمترت متخصیصین فوق را الغا نماید باید قبلاً دلایل خود را بمجلس اظهار نموده جلب موافقت مجلس را بنماید

رئیس - بفرمائید

بهبهانی - این ماده الحاقیه در کمیسیون بودجه هم پیشنهاد شد از طرف یکی از نمایندگان و با اینکه اغلب آقایان اعضای کمیسیون موافق بودند با این قسمت ولی بواسطه توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند آن نماینده محترم پیشنهاد خودش را مسترد داشت بعد از استرداد ایشان بنده قبول کردم پیشنهاد ایشان را موقع گذشته بود بنا شد که در همین مجلس پیشنهاد شود، راجع بمتخصیصین بعد از یک زحمتی یک متخصصینی میآورند و قوانینی وضع میکنند و کمترت آن میبندند یکی از مواد این کمترت در آن چند ماده که در قانون نوشته شده این است که هر وقت دولت بخواهد آنها را کمترتشان را لغو بکند الغا بکنند این مسئله که بنظر دولت ارجاع شده است البته تصدیق میفرمایند آقایان که این یک حقی است مال خود مجلس چنانکه مجلس قانون کمترت آنها را تصویب میکنند این حق را هم مجلس دارد که هر وقت بخواهد آنها را الغاء بکند، این حق را

که داده است بدولت که دولت هر وقت بخواهد این کار را بکند علاوه بر اینکه در مواقعی که اگر بخواهند الغاء بکنند کمترت را تولید سوء تفاهمی میکند نمایندگان حقیقتاً هم مطلع نمیشوند از اینکه چرا این کمترت الغا شده اینجا بهتر اینست (و مناسبتر به حال وزراء هم همین است که دورتر از سوء تفاهمات و سوء ظن ها باشد) که اگر یک موجباتی موجب شد که از طرف دولت این کمترتها الغاء شود آن دلالتشان را بمجلس بگویند و مجلس هم البته وقتی دلایل را بدید موافقت میکند و آنوقت ما جلب موافقت مجلس آن کمترت را الغاء بکنند ازین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و بسته بنظر آقایانست

شیروانی مخبر - بنده در ضمن جواب توضیحات نماینده محترم میخواستیم یک کلی را هم عرض کرده باشم: بنده تصدیق میکنم که یک مسائلی و یک وضعیتی ایجاد کرده است که یک چنین پیشنهادهایی که خلاصه مبتنی بر سوء ظن بوضعیات است پیشنهاد بشود و الا یک نفر عنصر علاقمندی مثل آقای بهبهانی که همه چیز بشئون این مملکت و شئون ملی ما علاقمند هستند اینرا البته از روی سوء نیت پیشنهاد نمیکنند از روی حسن نیت پیشنهاد کرده اند. ما یک قدری در امور کج میرویم اشتباه میکنیم بعد در سر یک مقامات معینی که میرویم گیر میکنیم نمیدانیم چه بکنیم، بلی ما بالاخره میخواهیم یک متخصصی را که از خارج برای مملکتان میاوریم ازو استفاده کنیم نمیخواهیم یک مستخدم خارجی که هشت برابر "دو برابر یک نفر مستخدم داخلی از ما پول بگیرد همان استفاده را که از یک نفر داخلی میکنیم از او هم بکنیم، خیر این یک اصل مسلم است که ما باید از مستخدمین خارجی آن استفاده ای را که در نظر داریم بکنیم موافقی هم نباید در مقابل استفاده ما موجود باشد. این البته صحیح است اما آیا ما بیائیم و برای رفع یک عیبی یک عیب دیگر روی عیبها بگذاریم این صلاح هست یا نیست؟ این

قابل فکراست ، ما بیائیم و بفرمائید آقای آقا سید یعقوب
 يك ديكتاتور يك آقا بالاسر برای خودمان درست کنیم
 که يك وقتی خودمان هم تویش درمانیم که این را چکنیم
 این است آن کلی را که میخواستم عرض کنم : بهتر
 اینست که يك طریقی پیدا کنیم که ملت و مملکت
 خودش آقا باشد آقائی را ما خودمان داشته باشیم در
 مواقع مقتضی هم استعمال کنیم قدرت خودمان را نگذاریم
 از يك قانون ، از يك مستخدمی ، از يك وضعیتی ،
 سوء استفاده بشود اگر ملت و نماینده های ملت آقائی
 خودشان را احراز کردند آن وقت تصدیق بفرمائید که يك
 چنین موادی یا پیشنهاد هائی برای شئون ملی مامضر
 است روی هم رفته ما برای جلوگیری از این مصائب اساسی
 باید بنشینیم يك فکر های دیگری بکنیم و الا فرضاً يك
 همچو ماده قانونی را گذرانیم تصور نمیکم در موقع عمل
 آن اندازه ها اثر داشته باشد و قابل استفاده باشد بلکه
 ناچاریم از اینکه يك فکرهای اساسی تری کرده باشیم ما از يك
 طرف يك حقوق اساسی ملی را بموجب يك قوانینی
 از مجلس شورای ملی در موقع بروز يك اختلافات
 و يك احساساتی سلب می کنیم از يك طرف
 هم میخواهیم باین وسیله يك اختیارات جدیدی
 برای مجلس درست کنیم ، ما آن اختیارات مرکزیت را
 الان با يك مواد قانونی از مجلس شورای ملی سلب
 کرده ایم ...
 آقا سید یعقوب -- کی سلب کردیم؟
 شیروانی -- و فکر این نیستیم که این را رفع کنیم
 حالا اگر بخواهیم با يك همچو قانونی بالاخره وزیر را
 مکلف کنیم که در موقعی که میخواهد کنتراتها را
 لغو بکند بیاید يك توضیحاتی بدهد البته در آنروز اگر
 وضعیت باین ترتیب باشد و در باین باشنه بگردد يك
 توضیحاتی برای ما میآورند و ما هم رأی میدهیم پس
 این پیشنهاد را خوبست آقا مسترد بفرمایند زیرا رد شدنش
 هم صلاح نیست .

بهبهانی -- از توضیحات ایشان قانع نشدم ولی مسترد
 می دارم
 رئیس -- دیگر ماده ای نیست . پیشنهاد آقای ملک مدن
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میبایم لایحه خالصجات انتقالی بعد از
 این لایحه متخصیصین خارجی که جزء دستور است
 مطرح شود .
 رئیس -- پیشنهاد جمعی از آقایان
 (بشرح آتی قرائت شد)
 اعضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که لایحه خالصجات
 انتقالی جزو دستور شود
 حشمی -- غلامحسین میرزا مسعود -- فهیمی -- طاهری
 باستانی
 رئیس -- پیشنهاد آقای اسکندری
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 این بنده پیشنهاد میبایم لایحه خالصجات انتقالی بعد
 از تصویب لایحه متخصیصین مالی جزو دستور شود
 رئیس -- پیشنهاد آقای روحی
 (بمضمون آتی خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم که طرح اصلاح قانون مستخدمین مجلس
 جزء دستور شود
 رئیس -- آقای ملک مدن
 ملک مدنی -- دو لایحه جزء دستور مجلس است یکی
 قانون بلدی و یکی خالصه انتقالی . عرض کنم خالصه
 انتقالی چون شور اول است و قانون بلدی شور ثانی .
 ما بهر دو این لایحه علاقه مندیم و بنده و جمعی از
 آقایان پیشنهاد کردیم لایحه خالصه انتقالی چون شور اول
 است و يك ماده اش هم بکمیسون ارجاع شده سایر
 موادش هم در مجلس مطرح شود بعد از آنکه شور اول
 این لایحه گذشت آنوقت لایحه بلدی مطرح شود و تصویب

کنیم . آقای روحی هم موافقت بکنند که این جزء دستور
 بشود بلکه شور اولش تمام بشود و بکمیسون برود
 رئیس -- آقای روحی
 روحی -- عرض کنم که لایحه خالصجات انتقالی شاید
 چند جلسه وقت مجلس را در همین شور اول بگسرد
 ولی این لایحه اصلاح قانون مستخدمین مجلس يك ماده
 بیشتر نیست و يك تبصره و شاید نیم ساعت . بیست دقیقه باده
 دقیقه وقت بیشتر تلف نکنند علاوه در صورت محاسبات که بین
 مجلس و وزارت مالیه است اشکالاتی پیدا شده من از آقایان
 خواهش میکنم موافقت بکنند این لایحه در قسمت اول
 مطرح شود . بعد در قسمت خالصجات انتقالی منم با
 آقایان موافقم .
 (در اینموقع عده برای رای کافی نبود)
 رئیس -- آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب -- بنده برای خاطر اینکه مقام
 ریاست هم معطل نشود تقاضا میکنم چند دقیقه تنفس شود .
 رئیس -- مخالفی دارد؟
 بعضی از نمایندگان -- خیر
 رئیس -- چند دقیقه تنفس داده میشود
 (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از
 نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)
 رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای ملک
 مدنی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر نمایندگان برخاستند)
 رئیس -- تصویب شد . ماده دوم قرائت میشود
 (بشرح آتی قرائت شد)
 ماده دوم -- برای رفع اختلاف در موارد متنازع
 فیه وزارت مالیه صورت کلیه خالصجات انتقالی را
 مطابق اصول مذکوره در ماده فوق تشخیص داده و در
 طهران و مراکز سایر ادارات مالیه منتشر خواهد کرد

هرگاه کسی اعتراض برصورت مذکوره داشته باشد اختلاف
 به ترتیب ذیل بحکمیت مرتفع میشود وزارت مالیه و
 معترض هر کدام بکنفر حکم معین نمایند بعلاوه بکنفر
 از اعضاء شعبه اولی دیوان عالی تمیز که شعبه مزبور با اکثریت و
 برای مخفی معین نمایند سر حکم خواهد بود و تصمیم هیئت
 حکمیت با اکثریت برای طرفین قاطع است در صورتیکه
 معترض از تاریخ اخطار بمشار الیه نادوماه حکم خود را
 تعیین و معرفی نمود حق اعتراض ساقط خواهد بود
 تبصره -- اشخاصیکه در ولایات مقیم هستند میتوانند
 اعتراضات خود را کتباً بوزارت مالیه ارسال دارند و یا به
 رئیس مالیه ولایتی که ملک در آنجا واقع است تسلیم
 نمایند در صورت اخیر مأمور مزبور مکلف است بدهنده
 اعتراض رسید کتبی داده واصل مراسله اعتراضیه را فوراً
 بوزارت مالیه ارسال دارد
 رئیس -- آقای عباس میرزا
 عباس میرزا -- عرضی ندارم
 رئیس -- آقای دهستان
 دهستانی -- عرضی ندارم
 رئیس -- مخالفی نیست؟
 کازرونی -- والله مخالفیم مطالعه نکرده ایم میترسیم
 یرت ویلا بگوئیم
 رئیس -- آقای بدر
 بدر -- اینرا چون معلوم نبود که امروز در دستور خواهد
 بود بنده مطالعه نکردم
 رئیس -- آقای طاهری
 طاهری -- مخالفت بنده با اینماده از نقطه نظر اینست که کاملاً
 نامین نشده موارد اختلاف . این ماده برای این است که
 اختلافاتی مابین متصرفین و مالیه در يك موقعی پیش
 بیاید که متصرف مدعی خالصه انتقالی بودن ملک بشود
 و مالیه مدعی باشد که خالصه دولتی است این طور رفع
 اختلاف بشود و اگر متصرف مدعی باشد که این اربابی

است و دولت بگوید خالصه انتقالی است بر طبق این ماده نمیتواند احقاق حق بکند. چرا؟ برای این که خالصه انتقالی را معین کردیم که آنست که سی سال در تصرف متصرف باشد. بگنفر اگر يك ملكى را متصرف باشد و مدعی باشد که این ملك اربابی است حکمیت رجوع میشود دولت میگوید خالصه انتقالی است او می گوید اصلاً خالصه نیست اربابی است بحکمیت رجوع می شود پس از اینکه متصرف ثابت کرد که سی سال در تصرف من است پس از آن نازه مطابق میشود با آن تعریفی که برای خالصه انتقالی کردیم. ناز میزی میشود که این ملك اربابی است یا خالصه انتقالی. وقتی متصرف ثابت کرد که سی سال این ملك در تصرف من است آن وقت آیا ثابت میشود که خالصه انتقالی است یا اربابی؟

کازرولی - اربابی.

طاهری - خیر، برای اینکه خالصه انتقالی آن بود که سی سال در تصرف متصرف بود. پیش از اینکه دلایلی برایش ثابت نکرده بودید! پس با تمام املاکی که جمعش زیاد است دولت مدعی میشود که خالصه انتقالی است نازه وقتی متصرف هم میآید ثابت میکنند که سی سال در تصرف من است دولت میگوید خالصه انتقالی است حالا بیا اضافه جمعش را فلانقدر بده و من مخصوصاً با آقای وزیر مالیه صحبت کردم گفتند ما این را برای این منظور ننوشته ایم و این اختلاف را ما اصلاً نظر نداشتیم این قسمت برای این نوشته شده است و بنیانش بر این است که اگر اختلاف شد که آیا این خالصه انتقالی است یا خالصه دولتی این طور معلوم میشود که اگر معین شد که سی سال در تصرف متصرف است خالصه انتقالی محسوب میشود ولی اگر چنانچه اختلافی شد بین ملك اربابی و خالصه انتقالی نمیشود بر طبق این ماده حکمیت کرد.

فهمی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه اینجا بنده تصور میکنم آقای طاهری يك اشتباهی فرمودند زیرا بطوریکه

در ماده اول مذاکره شد بالاخره يك املاکی تشخیص داده خواهد شد که خالصه انتقالی است منتهی در شرایطی که در ماده اول ذکر شده بود اختلاف نظری هست ما بین آقایان در لایحه تذکر داده شد که املاکی که سی سال اعم از تعرض یا بلا تعرض در تصرف اشخاصی بوده است آنها را خالصه انتقالی بشناسیم یعنی املاکی که قبلاً ملك متصرفی دولت بوده است و بعد با اشخاصی منتقل شده خالصه انتقالی بشناسیم.

آقایان شرایط دیگری برای اینکار قید کردند در هر حال بلا شرط نمیشود گفت يك املاکی خالصه انتقالی یا غیر انتقالی شناخته شود. املاکی دولت داشته بالاخره بدست اشخاص دیگر هم منتقل شده است امروز ما بلا شرط نباید بگوئیم که کلیه این املاک را خالصه انتقالی بشناسیم! ممکن است بنده بروم امشب يك ملكی را تصرف کنم ضبط کنم بگیرم فردا صبح بگویم که این ملك متصرفی من است....

شیروانی - عکسش هم ممکن است.

مخبر - پس بالاخره قانون باید يك شرایطی اینجا ذکر کند وقتی مطابق آن شرط خالصه انتقالی معین شد آن وقت ماده دوم دیگر این اشکال را ندارد که میفرمایند زیرا که مینویسد: برای رفع اختلاف در موارد متنازع فیه وزارت مالیه کلیه خالصجات انتقالی را مطابق اصول مذکوره در ماده فرق تشخیص داده و در طهران و مراکز سایر ادارات مالیه منتشر خواهد کرد وقتی که وزارت مالیه با دولت يك ملكی را مطابق آن اصول خالصه انتقالی تشخیص داد آنوقت مالك راجع به خالصه انتقالی بودنش ایراد ندارد ایرادش در این است که اصلاً این ملك خالصه انتقالی نیست و ملك اربابی است و مال من است دولت آنرا خالصه انتقالی تشخیص داده است مالك میگوید خیر اربابی است ملك من است و ابدأ خالصه نیست البته قضیه را نباید

بحکمیت رجوع بکنند برای اینکه معلوم شود که واقعاً خالصه انتقالی است یا اینکه ملك اربابی است. و برای خالصه انتقالی بودن نه این است که فقط سی سال در تصرف او باشد باید دولت هم ثابت کند که قبلاً این ملك در تصرف دولت بوده است دولت در اینجا معامله ملكی و اربابی کرده است و بعد منتقل کرده است بيك کسی دیگر باممكن است اشخاصی پیدا شوند بگویند ملك ما که امروز بعنوان خالصه انتقالی در دست اشخاص است هیچوقت در دست دولت نبوده است چنانکه امروز هم ازین قبیل املاک هست که اشخاصی به يك عنوانی در موقع استیلاي خودشان تصرف کرده اند و بعد هم بعنوان خالصه انتقالی فرمانی صادر کرده اند امروز دولت نمی تواند تصرف خودش را در آن ملك ثابت کند زیرا از دست آن مالك اولیه منتقل شده است بدست کسیکه حالا متصرف است اینها حرفهایشان حسابی است و ممکن هم هست ایراد بکنند. پس شرط خالصه انتقالی بودن آنچه در ماده اول ذکر شد اول تصرف دولت است و بعد انتقال با اشخاص دیگر با يك شرایطی و آنوقت همین گفتگوها ممکن است تولید يك اختلافی بکنند که باید به حکمیت تمام شود. مورد حکمیت سه قسم ممکن است پیدا بشود یکی اینکه اصلاً اشخاصی بگویند این ملك اربابی بوده است بيكی این که دولت تعرض داشته باشد که اینجا را خالصه انتقالی بشناسیم آنها بیایند بخالصه دولتی بودن حرف زنند و بخواهند انتقالی بودن آنرا ثابت کنند اینها اختلافاتی است که ممکن است پیدا شود و قسم دیگری غیر از حکمیت نمیشود رجوع کرد اگر آقایان يك ایراداتی بنظرشان میرسد که برای رسیدن باین مقصود این عبارت کافی نیست ممکن است پیشنهاد بفرمایند که در ضمن ماده قید شود ولی در هر حال کار بحکمیت باید ختم شود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض کنم بنده آنوقت مخالف بودم حالا هم مخالف هستم تشخیص خالصه انتقالی هم مثل اصل تشخیص خالصه بودن و مثل سایر دعاوی دولت برافراہ است. هیچ فرقی نمیکند و نباید فقط اختصاص داد یا اینجا. در این جا باید فقط تکلیف مالیات و قیمت خرید خالصه انتقالی را یعنی پنج برابر بودن و غیره را معین کرد

لهذا بنده با این ماده و همه مادهها مخالف هستم و اسباب معطلی میشود و آن نتیجه مطلوبه که ما در نظر داریم یعنی اینکه تکلیف مردم نسبت به مالیاتهای خالصه و آباد شدن آنها از دست خواهد رفت و يك اختلافات دیگری راجع به سی سال مدت و غیره تولید خواهد کرد و البته قانون مرور زمان هم اگر آمد نسبت بدولت و غیر دولت و همه مساوی است و تکلیف همه معلوم می شود. پس بعقیده بنده بهتر است که این سه چهار ماده را يك ماده کنیم و همه زیاد است و همینطور هم پیشنهاد کردم که از اولی که شروع می شود ماده راجع بامور مالیاتیش مطرح شود و همه اینها زبانی است.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بعقیده بنده با این ماده باید مخالفت کرد ولی نه برای اینکه این ماده اشکال تراشی کرده بلکه برای اینکه خیلی تسهیل کرده و اسباب خسارت دولت می شود (بنده این عقیده ام است) عرض کنم که باید يك قدری ملاحظه کرد که این املاک چه بوده تاریخچه اش چیست آیا اینها حقیقه يك املاک بابر مخروبه ای بوده و يك عده ای تفضلاً آمده اند پول خرج کرده اند ریاضت کشیده اند آباد کرده اند و حالا میخواهند از دستشان بگیرند؟ اینطور بوده؟ قنات کنده اند؟ رعیت آورده اند؟ رود خانه آورده اند نهر کنده اند؟...

بعضی از نمایندگان - (بطور همهجه). بله بله.

(صدای زنك رئیس - دعوت بسکوت)

بامداد - اجازه بفرمائید. اگر اینطور بوده است

البته این ظلم است و تمام این مواد زیاد است و باید یکمرتبه تصدیق کنیم که دولت حق ندارد. ولی وقتیکه نگاه میکنیم میبینیم این بهترین املاک این مملکت بوده و به گرافترین قیمت برای دولت تمام شده. فلان باغی ده سال اسباب زحمت این مملکت شده، چاییده، آن حوزه و اطراف خودش را چاییده، بعد دولت با یک خساراتی با یک خرجهایی بر او غلبه کرده است او را سرکوبی کرده است چه چیز باو رسیده؟ چهار تا ملک. این خالصه انتقالی را شما نگاه نکنید همه اش اینطور است بعد یک عده آمده اند گفته اند آقا این اسباب زحمت برای شما است، خوب اداره نمی کنید بیایید ما قبول می کنیم با همان عایدی بشرط این که همان عایدی را بدهیم. آباد هم بکنیم. و این انتقال در این دو شرط واقع شده است که هم مالیات را بدهند هم آباد کنند و هیچکدام را هم نکرده اند تخفیف گرفته اند پیشکش داده اند و بکسی ملک را بیشتر از میزان معمولی مالیات تخفیف داده اند هیچ آباد هم نکرده اند از همین وقتی که به دستشان رسیده است خرابتر است حال دولت میگوید آقا من املاک را بشما میدهم در مقابل این شرایط خیلی مختصر بهتر از این چیست که مخالفت میکنند آقایان؟ چرا؟ اینکه بهتر از این است که بعدلیه برود آقا! اگر دولت بگوید هر جایی را که شما نگفتید ملک من است من حرفی نمیزنم و هر جایی را هم که گفتید مالیاتش اینطور نیست حرفی نمیزنم پس معنایش این است که این لایحه هیچ ابداً بدرود نمیخورد و دولت بکلی از یک قسمت املاک و عوایدش صرف نظر نکند برای اینکه چند نفر دلشان میخواهد این املاک را ببرند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اولاً باید فهمید که این عملی را که مجلس در چند دوره مذاکره میکنند (برای اینکه آنقدری که بنده بادم است شاید از دوره چهارم مذاکره این موضوع بوده است) و همینطور دولتها همیشه یک مذاکره در اطراف آن داشته اند این برای چیست؟ این را باید قبلاً فهمید بعد داخل حل قضیه شد بعقیده بنده دولت و مجلس دو نظر اساسی داشتند، یکی آسایش مردم از این اختلاف املاک و اختلاف اراضی و اختلاف مالکیت و یکی آسایش دولت از اختلاف مالیات و اختلاف دفاتر متعدد و خرج زراعی و اداره سازی این دو نظر بوده، میخواستیم ما مالکیت در این مملکت متحدالشکل بشود، مالیات دادن هم متحدالشکل بشود که از یکطرف مردم آسوده باشند و از یکطرف دولت وضع مالیات گرفتنش باین طرز عجیب و غریب نباشد. وقتی که این را در نظر گرفتیم (حتی یکوقتی معتقد شدیم خالصجات فعلی دولت هم باید بمردم داده شود بهر نحوی که ممکن است) این اختلاف ترتیبی که در این مملکت هست راجع بزراعت و مالکیت از بین می رود چه رسد به خالصجات انتقالی که چندین سال است اصلاً مرور زمان مردم را مالک کرده است خالصجات انتقالی سه قسم بوده است یکی خالصجاتی بوده است که در مقابل یک خصوصیتها و پیشکشها با اشخاص بخشیده شده است

کازرونی - قوم و خویشی هم بوده است

شیروانی - قوم و خویشی با هر چه. پولی هم داده نمیشده. غالباً هم از مالیاتش در آن موقع کم میکرده اند و نمیگرفته اند. یکی هم خالصجات دیگری است که آنها را در مقابل جزو جمع یعنی در مقابل عایدی آن موقع دولت بیک اشخاصی برکنار میکرده. دولت فرض میکرده فرضاً صدی شصت از محصول این ملک عایدی دارد آن صدی شصت را از آن کسی که خالصه انتقالی را باو منتقل میکرده میگرفته میگفته است تو باید بدهی بعضی ها هم

نوکر دولت بوده اند و سایر داشته اند آن صدی شصت را هم در مقابلش یک مواجی برای خودشان درست میکرده اند و آن مالیات باین بزرگی را هیچ نمیداده اند آنوقت اگر یک عایدی از آنها پیدا میکرده اند یا یک پولی خودشان داشته اند میرفته اند آنجا را آباد میکرده اند و کم کم ملک اشخاص میشده است. بکسمتی هم از این املاک که دولت برای خودش خالصه انتقالی فرض کرده است و توی این لایحه هم راه برایش گذاشته است که ممکن است پدر مردم در آید خالصجاتی است که اشخاص آنها را خالصه کرده اند. چطور؟ فلان شخص در اصفهان فکر میکرده که یک ده خیلی خوبی در آنجا هست و قابل استفاده بزرگ است ممکن است بیک وسیله آن را ضبط کند توی رقبه کهنه های شصت سال پیش هم یک تسکه کاغذ راجع بانجا پیدا کرده است یا اصلاً پیدا نکرده بدون کاغذ (بنده موردی را اطلاع دارم که هیچوقت هم اسم خالصگی اصلاً رویش نبوده است) میآمده است بپهران و چندی میمانده و تشبثاتی میکرده وسایلی برمی انگیزخته و میرفته یک فرمان خالصگی برای آنجا صادر میکرده میگذاشته است جیبش و میرفته است اصفهان و برعیتهاش اخطار میکرده که اینجا ملک من است بیایید اینجا اجاره نامه اش را رد و بدل کنید غالب این املاک هم مال خرده مالکین بوده است فریاد مردم بلند می شده است که این ملک چندین صد سال است در تصرف ما بوده است ملک ما است و توی قباله زنهاش ما است بالاخره پیش میرفته است یک اشخاصی جمع بوده اند می آمده اند در مرکز اتفاق افتاده که پانصد نفر رعیت یکمرتبه حرکت میکرده اند از یک شهر دوری که صورت خالصگی به ملکشان داده بودند می آمدند مرکز داد و فریاد و فغان و بالاخره یک چیزی به یارو میدادند فرمانش میماند. یک قسمت زیادی ازین رقبات و اسناد و دفاتری که در وزارت مالیه است همین طور باقی مانده است و متأسفانه آن آتشی که گرفته

شد این قسمت را آتش نزد.

کازرونی - کاش آتش میگرفت

شیروانی - تقریباً دو نلت از خالصجات انتقالی را که بعقیده دولت خالصه انتقالی است میشود جزو این قسمت سوم قرار داد. حالا دولت آمده است در یک ماده راه باز گذاشته است از اینکه خودش هر جا را خالصه انتقالی بداند یا فرض کند و بنده هم که الان در تصرف و بنفع من است خالصه انتقالی فرض کنم که خیلی خوب دعوی بنده و دولت از بین می رود. اما اگر اینجا بضرر من شد دولت میگوید خالصه انتقالی است هر چه داد میزنم که این ملک من است این سند و این رقبه که شما می بینید این صورت را نوشته است میگویند نمیشود برو به حکمیت پس بعقیده بنده باید اصل را مالکیت اشخاص قرار داد بعد دولت هر جا را دعوی خالصه انتقالی بودن دارد اسنادش را بیاورد در یک محکمه ثابت کند.

بعضی از نمایندگان - برود عدلیه

شیروانی - این است و الا مالکیت در این مملکت متزلزل میشود دیگر هیچکس دارای هیچ چیز نخواهد بود. این قسم اولش است. و اما برای محاکمه و رسیدگی بنده با تجربه ای که شخص خودم راجع بحکمیت دارم حکمیت هائی که امروز در وزارت مالیه معمول است طرزش این است بمثل اعلان مناقصه و مزایده شایسته است که آن آخرش میتوبسد که دولت در رد و قبول پیشنهادات آزاد است حکمیت هم در وزارت مالیه این ماده درش محرز است که دولت در رد و قبول آن آزاد است و حتی در بهم زدنش. چطور؟ مثلاً یک بد بختی با دولت اختلاف حسابی دارد دو سال سه سال چهار سال میرود بنده و آقا و دیگری را واسطه قرار میدهد بالاخره راضی میشود که بحکمیت رجوع بشود و چون میداند اسنادش متنقن و قوی است روی میز که گذاشت حکم نمیتواند رد کند. وزارت مالیه هم قبول میکنند

یک نفر حکم اینطرف و یک نفر هم آن طرف یک سر حکم هم معین میشود شروع میکنند برسیدگی دو سه جلسه که رسیدگی شد نماینده دولت میرود در نزد مقامات عالی تری اطلاع میدهد که ما محکوم خواهیم شد حالا تکلیف من که حکم شما هست چیست میگویند نرو، استعفا بده. دو سال مرده که دنبال حکمیت دویده سه جلسه تشکیل شده آن موقعیکه باید استفاده بشود و حکم رای ندهد نتیجه گرفته شود نماینده دولت استعفا می کند با سر حکم میرود سؤال میکند نماینده منم که حق ندارد ظرفیت کند باید برسیدگی کند مینشینند آنها و بهم میخورد دو مرتبه تجدید میشود باز میآید تقاضای ادارات و رجوع بحکمیت میشود دو مرتبه حکم تشکیل میشود در وسط کار دولت که دید به نفع خودش نیست باز بهم میزند بنده چندین فقره به خصوصش را مبتلا بوده ام چه خودم حکم بوده ام و چه واسطه بوده ام که یک کاری به حکمیت بگذرد و بالاخره نگذشته است هنوز هم که بنده این جا ایستاده ام عرض می کنم کار مردم به حکمیت نخواهد گذشت

کازرونی - نخواهد هم گذشت .

شیروانی - ما بالاخره با این همه داد و فریاد و فغان عدلیه درست میکنیم و میخواهیم عدلیه که مرکز امور قضائی این مملکت باشد داشته باشیم، آنوقت دولت با این عدلیه کابینتولاسیون داشته باشد؟! این که نمیشود ما میخواهیم کابینتولاسیون را با دنیا لغو کنیم خود دولت که نباید کابینتولاسیون داشته باشد صالح ترین مقامات برای رسیدگی به هر دعوی عدلیه است، حکمیت یعنی چه؟ این بیج و خم ها و این در و آن درها و این طرز تشخیص ها اینها تمام برای این است که بالاخره تمام املاک این مملکت خالصه انتقالی شناخته شود. آن وقت مرجع رسیدگی هم یک همچو حکمیت هائی باشد این چیز غربی است!! می آئیم دماغش را پاک کنیم چشمش را هم کور کرده ایم، بالاخره ما قانون می گذرانیم برای رفع اختلافات و آسوده گئی مردم ولی با این دو

حکمیت کاملاً مضر است و به نفع دولت است و بنده هم طرفدار طرزی هستم که آقای شیروانی اظهار داشتند که همان طور که دعوی بین افراد متساوی است بین افراد و دولت هم متساوی باشد که اقلاً آن بدبخت ها هم یک غایت امیدبخشی را امیدوار باشند بنده خواستم از موقع استفاده کنم و این را عرض کنم که کمیسیون وقتی مطالعه میکند در قضیه در محذور نباشد و دیگر عرضی ندارم .

مخبر - اجازه میفرمائید؟

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

مخبر - عرض میشود هر قدر در اجرای این نیت و این فکر تسهیل شود البته اسباب راحتی مردم است و بنده بیش از همه خوشوقت میشوم . خوشبختانه بنده مبتکر این فکر بوده ام از پنجسال قبل تا بحال که خالصجات انتقالی به صورت املاک اربانی درآید و خیلی خوشوقت هستم که یک روز مجلس شورای ملی رأی بدهد که خالصجات انتقالی از این تاریخ متعلق بمنصرف است بدون هیچ شرط و قیدی . اما متأسفانه موضوع یک موضوعی است که نظریات شخصی یعنی نظریات وزارتخانه و نظریات شخصی نمیتواند این کار را بکند و باید فقط مجلس شورای ملی این کار را بکند . یک امریکه در غالب موارد اسباب تاسف است این است که ما همه قضایا را با یک نظر سوء ظن و بدبینی تلقی میکنیم و تا وقتیکه مسئله سوء ظن در جامعه ما حکمفرما است هیچ فکری پیشرفت ندارد . میفرمایند به حکمیت رجوع نشود برای اینکه آن کسیکه در دیوان عالی تمیز به رای مخفی انتخاب میشود ممکن است طرفدار دولت باشد . دیوان عالی تمیز یک مقام مافوق تمام قوای قضائیه است پس محکمه ابتدائی عدلیه هم به طریق اولی طرف سوء ظن خواهد بود . مرا کر دیگر هم همین طور . پس راه حل چیست؟ اگر شعبه اولی دیوان عالی تمیز یک نفری را

ماده یک باری سر بارشان خواهیم گذاشت . بنده معتقدم در آن ماده اول که البته باز هم مطرح خواهد شد مالکیت اصل شناخته بشود و دولت نسبت به رجائی که دعوی خالصگی دارد برود در عدلیه محاکم هر چه حکم کردند همان طور رفتار بشود .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دادگر - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض کنم که بنده میخواستم استفاده کنم که مطالب گفته شود یک چیز اینجا محذوف ماند و چون شور اول است و در پیشنهاد ها حرف زده نمیشود به این جهت بنده مخالفت کردم با کفایت مذاکرات که این نکته نگفته گفته شود . نمیدانم آقایان سابقه دارند یا ندارند؟ البته دارند بسیار خوب هم اطلاع دارند .

اوضاع جاری مملکت را همه میدانیم عضو تمیز یعنی آن هم حکم دولت . به رأی مخفی که انتخاب می شود مثل این است که در هیئت وزراء یک

وزیری را کاندید کنند برای برچیدن ختم . یکی دو نفر هم از این اعضاء تمیز معین میشوند برای حکمیت و آن رای مخفی هم که غالباً گفته میشود که شاید ما را صیانت بکند از آن عضو بخصوص بالاخره صیانت نمیکند ما همیشه در کمیسیونها هم می بینیم صیانت نمیکند عرض کنم یک نفر عضو بعنوان سر حکم از طرف دیوان عالی تمیز انتخاب میشود ممکن است بنظر بدبینی نظر کرد که طرز فکرش این باشد که غالباً قضایا را به موفقیت دولت حکم کند خوب ممکن است اینطور فکر کرد . مگر نمیشود؟ بعضی اشخاص این طور فکر میکنند حالا بنده اینطور فکر نمیکنم . بنظر بنده با این طرز حکمیت نتیجه این طور میشود که قضایا را قاطعاً به صرفه دولت تمام بکند یک حکم که خودش دارد یک حکم هم که از طرف دیوان عالی تمیز به تبانی و ساختن (باخلق و عادتی که هست) تعیین میشود عقیده بنده این است حکمیت و این طرز

دارند ممکن است پیشنهاد کنند کمیسیون هم می پذیرد
رئیس - رای گرفته میشود به کفایت مذاکرات . . .
بعضی از نمایندگان - کسی مخالف نیست
رئیس - آقای دادگر نسبت به کفایت مذاکرات
فرمایشی فرمودند آقای مخبر هم تأیید کردند . باید رای
گرفته شود آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام
فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - اکثریت است پیشنهادها قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد آقای نابت

ماده دوم را به ترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم :
ماده ۲ برای رفع اختلافات در موارد متنازع فیه
وزارت مالیه مکلف است صورت کلیه خالصجات را در
مرکز و ایالات و ولایات و قریه و قصبه کتباً منتشر
نماید هرگاه کسی اعتراضی بر صورت منتشره داشته باشد
رفع آن باید در محاکم عدلیه بشود لاغیر و حکم صادره
از محاکم عدلیه قاطع است و در صورتی که معترض
از تاریخ اخطار و اطلاع تا ششماه برای رفع اختلاف خود
یا وکیل نابت الوکاله خود حاضر نشد حق هیچ نوع
اعتراضی نخواهد داشت .

تبصره - معترضین در ایالات و ولایات و قریه و
قصبه باید اعتراض خود را کتباً به وزارت مالیه و یا
رئیس مالیه ولایتی و ایالتی که ملک در آنجا واقع هست
تسلیم نموده با تاریخ و نمرة دریافت دارند و مأمور مزبور
هم مکلف است عین مراسله اعتراضیه را فوراً به وزارت
مالیه ارسال دارد .

پیشنهاد دیگر آقای نابت

نظر باینکه دفتر رقبات قانوناً نمیتواند مدرک خالصه
بودن املاک باشد زیرا که معلوم نیست این دفتر در زمان
سلطین قاجار به از روی چه مدرک واصلی تنظیم شده

و وزارت مالیه قانوناً نمیتواند املاک مردم را بوسیله
دفتر رقبات خالصه قرار دهد و بفروشد بنده ماده دوم را
بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم :

ماده دوم - در صورتی که بین اهالی و وزارت مالیه
در اصل خالصه بودن تنازع باشد متعرض یا وکیل
نابت الوکاله معترض با نماینده وزارت مالیه بمثل سایر
دعاوی و افراد در عدلیه که بموجب قانون اساسی مرجع
تظلمات است حضور بهم رسانیده و حکم صادر از محاکم
عدلیه قاطع خواهد بود . معترض از تاریخ اطلاع تا ششماه
اعتراض خود را کتباً بوزارت مالیه یا بر رئیس مالیه
ولایات و ایالات که ملک در آنجا واقع است داده و
رسید کتبی بگیرد و مأمور مزبور هم مکلف است فوراً
عین مراسله اعتراضیه را بوزارت مالیه ارسال دارد و
اگر معترض در مدت مزبوره (۶ ماه) اعتراض خود را
تقدیم نکرد و ششماه تمام شد پس از آن حق هیچ نوع اعتراض
را نخواهد داشت

پیشنهاد آقای عباسمیرزا

تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد مینمایم .

املاک خالصه انتقالی که از مالیات آن مالک شاکی
پس از ممیزی تعیین مالیات میشود بمدت پنجسال بقوت
خود باقی و هر پنجسال تجدید نظر ممکن است

عباسمیرزا - این راجع بماده سوم است

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود :

هرگاه میان دولت و مالک در موضوع خالصه انتقالی
اختلاف شد در اصل خالصه بودن یا در انتقال هر یک
یک نفر حکم معین نموده و یک نفر هم به قرعه از شعبه
اولی تمیز معین خواهد شد . و به اکثریت رفع اختلاف
خواهند نمود .

تبصره - اختلاف بین شخص نالت و متصرف بر طبق
قوانین مملکتی به عدلیه رجوع خواهد شد .

پیشنهاد آقای دادگر

بنده پیشنهاد میکنم که حکم نالت به تراخی طرفین
در ماده دوم تعیین شود .

پیشنهاد آقای دکتر ظاهری

پیشنهاد میکنم ماده دوم به ترتیب ذیل نوشته شود :
در صورت بروز اختلاف بین متصرف و دولت در
اینکه ملکی اربابی یا خالصه انتقالی یا خالصه دولتی
است اختلاف مزبور به محاکم صالحه مراجعه میشود
پیشنهاد آقای دهستان
پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده دوم اضافه شود

تبصره - ثبت در رقبات مدارک کافی برای دولت نخواهد
بود و فقط به استناد آن تعرض و دعوی به املاک
متصرفین نمیتوان نمود .

پیشنهاد آقای عباسمیرزا

تبصره به ماده ۲ پیشنهاد مینماید : در صورتیکه از
حکمت یک طرف ناراضی باشد بعدلیه میتواند رجوع نمایند
بعضی از نمایندگان - ختم جلسه .

رئیس - جلسه ختم میشود . جلسه آتیه روز سه شنبه

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)